بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 25 بهمن 1389.

بحثی که دیروز مطرح کردیم عرض ما این بود که ما در مورد مجالس نهم ربیع نه به جهت روایتی که در مورد نه ربیع وارد شده است حالا چه آن روایت ابن بابویه که سید بن طاووس اشاره می کند و چه روایتی که از احمد بن اسحاق نقل شده است هیچ کدام از اینها ازجهت سندی معتبر نیست. اینها منشأ اینجور مجالس نیست. منشأ اصلی آن بحث های کلی برائت و تولی و تبری است که روایت های زیادی در آن وارد شده است و روایات متعدد هست و اساسا در روایتی که در خصال روایت اعمش وارد شده است. روایت اعمش جزو واجبات بحث برائت شمرده می شود. روایتی هست از اعمش نقل شده است عن الصادق علیه السلام در شرایح دین و روایت مفصلی است که شبیه این روایت از امام رضا هم وارد شده است به عنوان محض اسلام. من یک موقعی یک مقاله ای در مقایسه این دو روایت شرایع دین امام صادق و محض الاسلام امام رضا داشتم که چاپ نشده است ولی مقاله مفصلی است. در این روایت جزو چیزهایی که از شرایع دین می شمارد می گوید

و حب أولياء الله و الولاية لهم واجبة و البراءة من أعدائهم واجبة و من الذين ظلموا آل محمد و هتكوا حجابه فأخذوا من فاطمة عليها السلام فدك و منعوها ميراثها و غصبوها و زوجها حقوقهما وهموا بإحراق بيتها و أسسوا الظلم و غيروا سنة رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم»

که دقیقا اشاره به تحرکات خاصی که از طرف جمع حاکم انجام شده است و نکاتی که وجود دارد در این روایت شده است. بحث در واقع

سؤال:

پاسخ: من مجموعا یک بحث سندی در مورد این در همان مقایسه شرایع محض الاسلام کرده ام مجموعا گفته ام که با توجه به تکرری که این رویت دارد، روایت قابل اعتماد است و بحث مفصلی

سؤال:

پاسخ: نه آنها را هم من یک مقاله ای در مورد شهادت حضرت زهرا نوشته ام آن این است که احراق بیت یعنی سوزاندن خانه نه آتش روشن کردن و این قطعا انجام نشده است. ولی اینکه آتش روشن کردند، آن که در روایت هست می گوید آتش روشن کردند می گوید حضرت امیر بیعت نکرد حتی ...یدخل بیته. دود وارد خانه شد و الا اینکه خود خانه سوزانده شده باشد آن که هست سوزاندن در هست نه

سؤال:

پاسخ: آنها حالا حرف و حدیث هست که بعد از شش ماه بوده است چه بوده است که حرف دارد

عرض کنم خدمت شما این روایت خب من جمله از این روایت است. روایت زیادی است از بحث برائت. این روایت را به دلیل ویژگی خاصی که در آن بود من نقل کردم. یا مثلا روایتی هست عن أبی حمزه این روایت اصلش را در کافی نقل کرده است با اضافه و زیادتی در تفسیر عیّاشی وارد شده است. نقل مقداری که در کافی نقل شده است جلد 1 صفحه 180 این مقدار است. عرض کنم خدمت شما

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنَّمَا يَعْبُدُ اللَّهَ مَنْ يَعْرِفُ اللَّ

عبادت تنها از کسی سر می زند که معرفت خدا داشته باشد

فَأَمَّا مَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ فَإِنَّمَا يَعْبُدُهُ هَكَذَا ضَلَالًا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ تَصْدِيقُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَصْدِيقُ رَسُولِهِ ص وَ مُوَالاةُ عَلِيٍّ ع وَ الِائْتِمَامُ بِهِ وَ بِأَئِمَّةِ الْهُدَى ع وَ الْبَرَاءَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ هَكَذَا يُعْرَفُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

معرفه الله اصلا متوقف بر برائت از عدوّ اهل بیت است. در تفسیر عیاشی خیلی مفصل تر این روایت نقل شده است. بعد از این عبارت دارد

قال قلت اصلحک الله أی شیء اذا عملته أنا استکمله حقیقت الایمان قال توالی اولیاء الله و تعادی اعداء الله و تکون مع الصادقین کما امرک الله قال قلت و من اولیاء الله و من اعداء الله قال اولیاء الله محمد رسول الله و علی و الحسین و الحسین و علی بن حسین ثم انت الأمر الینا ثم ابنی جعفر و اومع الی جعفر و جالس فمن والا هؤلا فمن والی الله و من کان مع الصادقین کما امره الله قلت و من اعداء الله اصلحک الله قال ... الاربعه قال قلت من هم قال ابو الفصیل

اینها عنوان های کنایه آمیز است از خلفا. ابو الفصیل و رمع و نعثل. ابو الفصیل ابو بکر است، بکر معنای بچه شتر و فصیل هم به همان معنا است ظاهرا. یا فصیل معنای مثلا چیز به اصطلاح

اینها جنبه های کنایه است. این در تفسیر عیاشی است. تفسیر عیاشی جلد 2 صفحه 116 با این قید. که می گوید ابو الفصیل و رمع، رمع مغلوب است و نعثل، نعثل یهودی ای بوده است که عثمان خیلی شبیه او بوده است و عایشه می گوید اقتلوا نعثلا، در جریان قتل عثمان، عایشه از عثمان به عنوان نعثل یاد می کند. به خاطر شباهت قیافه ای که با نعثل داشته است.

سؤال:

پاسخ: مغلوب است.

سؤال:

پاسخ: این خیلی چیز بوده است اصلا این یکی از نکاتی که یک کتابی دیدم چهار جلد در مورد تعبیرات کنایی که این جور چیزها هست که چهار جلد است و مفصل این تعبیرات، خیلی تعبیرات کنایه ای زیاد است.

سؤال

پاسخ: از این جور تعبیرات مختلف چیز و الاشرار اسمش را یادم نیست الآن.

سؤال:

پاسخ: نه معاویه در حد آنها نبوده است ولی این جور هم نبوده است که هیچ چیز نباشد نسبت به معاویه. نسبت به معاویه هم حساسیت هایی بوده است ولی یزید اصلا دیگر حساسیتش نبوده است. معاویه را هم به هر حال قال المؤمنین کاتب الوحی نمی دانم از این جور چیزها روایت های از این جور تعبیرات در موردش هست.

و من دان بدینهم فمن عادا هؤلاء فقد عادا اعداء الله

و یا روایت دیگری که روایت جالبی هست که در سرائر صفحه 640 نقل شده است.

وَ قِيلَ لِلصَّادِقِ ع إِنَّ فُلَاناً يُوَالِيكُمْ إِلَّا أَنَّهُ يَضْعُفُ عَنِ الْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّكُمْ قَالَ هَيْهَاتَ كَذَبَ مَنِ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَبَرَّأْ مِنْ عَدُوِّنَا

حالا به تناسب یک روایت جالبی دیدم می گوید محمد بن أبی بکر صحیح السندی هم هست چند تا تعبیر دارد یکی اینکه محمد بن ابی بکر بایع علیا علی البرائه من أبیه. در کشی و اختصاص نقل شده است تعبیر چیزش این است می گوید که محمد بن ابی بکر یک موقعی آمد خدمت امیر و گفت که دستتان را بدهید می خواهم بیعت کنم. حضرت می فرماید که مگر بیعت نکردی می گوید که می خواهم دوباره بیعت کنم و بیعت می کند می شود اشهد انّک امامٌ مفترض الطاعه و اشهد انّ أبی فی النار. خلاصه شهات دو قبضه می خواسته است بکند. خب این در واقع تفصیل هایی مثل مجلس الزهرا و مجالس اینها جزو مصادیق این به اصطلاح برائت و تبری است که طبیعتا باید حد و حدودش از جهات مختلف رعایت شود. هم از جهات عنوان های اولیه، معصیت نباید در اینها رخ دهد. معصیت صحیح نیست هم از جهت عنوان های ثانویه و نکاتی که به کلیت به اصطلاح مصالح کلی تشیع بر می گردد این را باید رعایت کرد. حالا بحث هایی که اخیرا حالا بعضی ها در مورد توهین به عایشه راه انداخته بودند صرف نظر از اینکه تا چقدر آن مطالب درست است یا درست نیست یک حرف های عجیب و غریبی که از نظر چیزی خیلی ضعیف بود به عایشه نسبت داده اند و اینها حالا نمی خواهم وارد بحثش بشوم صرف نظر از آن بحث ها بحث هایی که نمی دانم افراد چقدر باید از جهت قدرت فکری ضعف فکری داشته باشند که انقدر نفهمند که این جور مسائل چقدر به شیعه لطمه می زند. ما امسال که مکه بودیم یکی از مشکلاتی که کاملا حس می کردیم همین مشکلاتی بود که بعضی ها در مورد توهین به عایشه راه انداخته بودند و دقیقا گر نخواهیم قضیه را خیلی با دید توطئه انگاری بیانگاریم، به هر حال از یک نوع احمقی و نادانی ناشی می شود که اشخاص نمی دانند که اینها دوستان نادانی هستند که ضررشان از دشمنان نادان خیلی وقت ها بیشتر هست و واقعش اگر شاید اقدامات آقای خامنه ای در آن جریان نبود، هر چند یک مقداری هم دیر بود ولی اگر آن اقدامات نبود خیلی مسئله حادتر می شود و قضیه چیزتر میشد. می گویند مرحوم میرزا شیرازی یک موقعی در سامرا که بودند، گفتند یک شیخی وارد می شود می بینند حنا بسته و امثال اینها و میرزا شیرازی می گوید که آقا شما اینجا آمده اید برای تحصیل کردن و اینها شما نجف تشریف داشته باشید ما آن جهتی که برای طلبه ها در نظر داریم چیز می کنم خدمت شما همین الآن تشریف ببرید نجف و فلان و می گفت که آقای فلان برو بلیط بگیر برای اقا و قطار کی می رود اولین قطاری که می خواهد برود و ماشینی که وسیله رفتن و می گفت هی میرزا شیرازی از کسانی بوده است که در مجلس خیلی توجه به مجلس داشته است و هیچ وقت نگاهش را به یک شخص خاص متمرکز نمی کرده است و همه اش می گفت که میرزا نگران بود و اصلا حواسش به اینجاها نبود و امثال اینها و چند بار هی پرسید که فلانی رفت فلانی رفت فلانی رفت تا بعد از یک مدتی که مطمئن شد که رفته است گفت که من از قیافه این که فهمیدم که این از مقدسینی است که این می رود الآن در حرم ائمه عسکریین یک دعای صنمی قریش می خواند و تمام زحماتی که ما اینجا انجام داده ایم را بر باد می دهد بعد این بنده خدا رفته بود در نجف می گفته است که میرزا اقلا می گذاشت یک بار می رفتیم صنمی قریش می خواندیم دلمان خنک میشد. خب این یک جور بینش و اندیشه ای است که به هر حال باید بحث تقیه عمدتا برای حفظ شیعه است و یک نوع صلاح مبارزاتی است که انسان بدون جهت نیروهای خود را از دست ندهد و امثال اینها.

سؤال:

پاسخ: یک مجموعه ای است یعنی ببینید ما یک بحث داخلی داریم و یک بحث خارجی. یعنی اینها جمع بندی مجموعه مصالح و مفاسد است. یعنی از یک طرف وجود این مجالس باعث حفظ اعتقادات می شود باعث حفظ و اتصال این جور جهات می شود و از آن طرف دیگر به هر حال انعکاس این جور مجالس در خارج یک سری مشکلاتی دارد این است که باید تا حد امکان مجالس یک سری محدودیت هایی در جهت نحوه انعکاس در موردش انجام شود که به هر حال نباید به طور جدی کنترل شود که این مجالس در محدوده شیعه و قلمرو خاص بماند و منعکس نشود. اینها کلیتش را می دانند نه اینکه ندانند ولی انعکاس خاص و امثال اینهایش است که با مشکلات هست. یعنی ما در واقع خیلی جاها اینها با یک جنبه اهم و مهم و تزاحم ملاکات مواجه هست. خب خدا رحمت کند. بنابراین عمدتا بحث، بحث مصداقی از مصادیق برائت و حفظ شعائر دین هست. خدا رحمت کند آقا سید مصطفی خوانساری بود که در مراسم تولی و تبری خیلی ساعی بود و الآن هم منطقشان در گذرخان مجالس محکمی است. خانه ای است که شاید صد و بیست سی سال مجالس عزاداری مستمرا برپا بوده است. ایشان یک موقعی می گفت که همه می دانند که خلیفه ثانی در آخرهای ذی حجه از دنیا رفته است. مثلا 29 ذی حجه ولی خب شیعه ها دیدند که چسب محرم که نمی شود عزاداری کرد گفتند که بگذار محرم و صفر بگذرد ربیع الاول بگذرد هشت ربیع الاول که شهادت امام عسکری که هست بگذرد اولین امکان 9 ربیع چسباندند. ایشان این جوری تعبیر می کرد تعبیری بود که ایشان داشت. علی ای تقدیر بی ذوق و خالی از، نمی خواهم بگویم که قابل اثبات هست ولی بی ذوق نیست این تحلیل و استنباط قضیه. حالا یک نکته ای را هم ضمیمه کنم که آن این است که در روایتی که در بحث 9 ربیع وارد شده است صرف نظر از بحث سندی اش یک تعبیری دارد یوم رفع القلم. یوم رفع القلم، معنای ابتدایی اش مخالف عقل است. یعنی اصلا معقول نیست آن که یک تکلیف اگر شارع کرده باشد از یک طرف دیگر نسبت به تکلیف عقاب را برداشته باشد، این معنایش با اصل جعل تکلیف منافات دارد. بله به نحو مقیّد شارع، این نکته را توجه فرمایید در اصول این بحث را کرده اند. در ذیل حدیث رفع فرموده اند که رفع، اینکه شارع عقاب را واقعا برداشته باشد مسئله ای نیست. اخبار به رفع عقاب به نحو مطلق با جعل تکلیف منافات دارد. اما اگر واقعا رفع کرده باشد اخبار نداده باشد مثل روز قیامت که خدا می خواهد ببخشد خب می بخشد ولی قبلا اخبار نکرده باشد مسئله ای نیست. اخبار هم به نحو مطلق نباشد البته اخبار در مورد عفو خدا اخبار شده است ولی اخبار شخص خاص را که اخبار نکرده است. فلان کسک من شما را می بخشم. در مورد شخص خاص هم اگر اخبار شده باشد یک طایفه خاص هم اخبار شده باشد ولی به نحو مقید.

إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبٰائِرَ مٰا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئٰاتِكُمْ

اگر کبائر را شما اجتناب کنید من صغیره ها را می بخشم. یا مثلا کسی که این معنایش این است که اگر در تمام عمر شما کبیره مرتکب نشده باشید من صغیره ها را می بخشم. این مانعی ندارد چه کسی است که مطمئن باشد که هیچ کبیره ای از او سر نمیزند که باعث تجری بر عمل شود و امثال اینها. عمده اش این است که اخبار تأمین از عقاب باعث تجرّی نوع مردم می شود البته در نوع مردم هست. یک عده آدم هایی هستند که اصلا به عقاب کاری ندارند آنها اولیاء الله هستند و اصلا عقاب نیست که محرّک آنها هست. آنها حالا عقاب هم باشد یا نباشد، به اصطلاح به خاطر محبّت خدا کار را انجام نمی دهند ولی عمده مردم به خاطر عقاب هست که محرکشان هست و تأمین از عقاب با هدف تشریع منافات دارد. رفع قلم اگر تأمین مطلق باید باشد این اصلا معقول نیست. این یا باید اگر بخواهد معنایی داشته باشد تأمین مقید باشد مثلا رفع قلم به مورد خاص. یک معنایی حاج آقا اینجا احتمال می دانند و معنا می کردند معنای جالبی بود آن این است که در واقع شادی در این روز در آن رفع قلم شده است به این معنا من توضیح بدهم ببینید بعضی از امور هست که کذاتا حرام نیست ولی یک عنوان هایی بر آن منطبق می شود که باعث حرمتش می شود آن چیست؟ عنوان هتک، بی آبرویی، سبک کردن مؤمن، خار کردن مؤمن. انسانی که مؤمن نباید دیگری را خار کند خودش را خار کند انسان نباید خودش را سبک کند. ولی این سبک کردن، وقت با وقت فرق دارد. ببینید یک موقعی است که شما یک آقایی از اماکن، شما می بینید یک روحانی اگر بخواهد با لنگ بیاید در مجالس زشت است ولی همین روحانی در حمام با لنگ می رود. در حمام با لنگ می آید و هیچ مشکلی هم ندارد. در مورد زمان ها و جار ها و امثال اینها دخالت دارد در اینکه چه چیزی توهین باشد و چه چیزی توهین نباشد. رفتاری که در مجلس عروسی می شود با رفتاری که در مجلس عزا می شود از جهت اینکه میزان توهین بودن و امثال اینها تفاوت دارد. بعد حاج آقا می فرمودند که یک سری چیزهایی از باب توحید، فرض کنید شوخی های خاص و امثال اینها خیلی هایش هتک آبروی مؤمن هست در شرایط عادی. این می گوید که شرایطی است که شما می توانید بخندید و رفتارهایی انجام دهید که اگر این رفتار به صورت عادی انجام می شد، مصداق هتک حرمت بود مصداق توهین به شخص بود خار کردن خودش بود و طبیعتا محرّم بود. ولی در فرض کنید مجلس عید الزهرا، اینها اشکال ندارد از باب اینکه اصلا مصداق محرّم نیست و مصداق عوض می شود. رفع موضوع می شود به رفع موضوع رفع کم می شود. یعنی چیزی که ذاتا موضوع محرّم است در

سؤال:

پاسخ: مخالف ظاهر است نه اینکه مخالف ظاهر نیست. بحث این نیست که مخالف ظاهر نیست. عرض کردم ظاهر این تعبیر، تعبیر قابل قبولی نیست. بعد به هر حال اگر از جهت سندی رفع ید کنیم،

سؤال:

پاسخ: همان کارهای خلاف مروّت از این

نه اصلا چیز صریح قول صریح در بحث مروت این است که اصلا مروت محرم است خلاف مروّت. خلاف مروّت محرم است نه به عنوان اولی بلکه به عنوان ثانوی. به جهت اینکه شخص خدا رحمت کند بعضی از علما مثل مرحوم آقای اشرفی و اینها آن موقع ها لباس نظامی می پوشیدند و به جبهه می رفتند خب بعضی ها می گفتند که مرحوم صاحب عروه مثال زده است برای خلاف مروّت که اینکه روحانی لباس جندی بپوشد. مثالی هست در عروه و امثال اینها. حاج آقا توضیح می دادند می گفتند که این اصلا خلاف مروّت بودنش در شرایط عادی است. مروّت یعنی آن رفتاری که به طور طبیعی هتک حرمت شخص و سبک کردن شخص است. خب همین جوری روحانی بخواهد یک رفتاری کند که لباس سربازی بپوشد بدون هیچ جهت خاصی این به اصطلاح هتک حرمتش است روحانی باید حیثیت خود را حفظ کند. حتی در مجالس عید الزهرا گاهی اوقات فرض کنید یک روحانی اصل شرکتش در مجلس، خودش یک نوع چیزی است حالا بلند شود و بخواهد برقصد حتی در مجالس عید الزهرا ممکن است برای یک روحانی هتک حرمت باشد. التبه فرق دارد مجلس با ملجس ولی غرض من این نکته قضیه است ولی در شرایط فرق دارد. یعنی خب کسی که در این تثابت ها را باید انسان توجه کند. فرق است بین خلاصه مجلس سرور که یک سری چیزها اصلا مصداق هتک حرمت نیست. رفع قلم اگر معنایی داشته باشد به این معنا است. اگر آن روایت صحیح باشد عرض کردم از جهت سندی آن روایت صحیح هم نیست و تکیه آن مجالس بر این جور روایات نیست.

سؤال:

پاسخ: بله این هم نکته خوبی است. حدیث رفع قلم یکی جلد 98 بحار صفحه 354 نقل کرده است به لفظ کتاب زوائد الفوائد مال سید بن طاووس. جلد 31

زهد فی الکبائر دیگر. نه زهد در کواکب منظورش این است که در مورد اینها زهد به خرج بده. مرادش هم همان زهد عن کبائر است. زهد معنای اجتناب دارد ولی دو جور می شود آن فی را معنا کرد.

بنابراین یک مقداری هم

سؤال:

پاسخ: نشنیدم. اینها به هر حال اینجوری. خب حالا این محصّل بحثی که در این زمینه هست. یک مقداری باید در این جور مسائل اولا باید در عقاید شیعه محکم بود. متأسفانه الآن بسیاری از رفتارهایی که ما روحانی ها می کنیم باعث می شود که گاهی اوقات کسانی که شیعه هایی که ما می رویم مکه و آن جلال و شکوه و نماز جماعت های اهل تسنن را می بینند مرعوب می شوند این خیلی بد است. خیلی بد است و این نکاتی که روایتی هست بگذارید حالا این روایت را بخوانم، روایت این است روایت صحیح السندی است،

عن ابان الثعلب

بسیار سند خوبی دارد

قال کنت مع ابی جعفر علیه السلام کافی جلد 4 صفحه 540 حدیث 2 است

كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي نَاحِيَةٍ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَقَوْمٌ يُلَبُّونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ،

تلبی حول کعله زمان آن چیز هست جزو بدعت هایی هست که وجود دارد. تلبیه باید به دخول چیز که شد دیگر تلبیه قطع می شود رؤیت دخول کعبه امثال اینها تلبیه قطع می شود

فَقَالَ: «أَ تَرىٰ هٰؤُلَاءِ الَّذِينَ يُلَبُّونَ؟ وَ اللّٰهِ لَأَصْوَاتُهُمْ أَبْغَضُ إِلَى اللّٰهِ مِنْ أَصْوَاتِ الْحَمِيرِ

خیلی وقت ها این شکوه و جلال ها واقعا عند الله ابغض هست یعنی خدا می گوید آن گونه ای می خواهد عبادت کند که خودش می خواهد نه گونه ای که مردم می پسندند. این تصویر ها را باید برای مردم توجه کنند اینها باعث می شود که خیلی وقت ها احساس کوچکی و حقارت کنند و ایمان و اعتقاد خودشان را و صحت مذهبشان را کم بشمارند. اینها را باید از یک طرف بعضی ها مصالح را نمی سنجند خیال می کنند که هر چه شد شد و این خدا رحمت کند این را توصیه می کنم که دوستان این مقاله را مطالعه کنند مقاله بسیار خوبی است مرحوم آقای مطهری در مورد الغدیر و وحدت اسلامی نوشته است این خیلی مقاله خواندنی است در مورد نگاهی که به مقوله وحدت از سوی اقای مطهری وجود دارد. یک نوع افراط و تفریط هایی در نگاه به این جور مسائل وجود دارد که باید جدا از آنها پرهیز شود از هر دو طرف قضیه هم افراط هایی که در اینجا وجود دارد هم تفریط هایی که وجود دارد. واقعش ما باید اعتقادات خودمان را محکم بچسبیم و هیچ از این جهات کوتاه نیاییم ولی معنای این مطلب این نیست که رفتار های نامعقول و رفتارهایی که بهانه به دست دشمنان داده شود و چیز هایی که خب همان رفتاری که خود ائمه معصومین انجام می دادند و اساسا روح تقیه همین مطلب هست رفتارهایی که احیانا خب باعث بوده است که آن صلح امام حسن باعث بوده است که حتی خودی ها می آمدند کسانی مثل حجر بن عدی، می آید می گوید که خار کردی ما را ذلیل کردی ما را. کسانی که فدایی هستند یعنی حجر کسی نیست که در مورد صحت اعتقادش و فداکاری بحثی باشد ولی اینها چنان فدایی هستند که گاهی اوقات آن رفتارهای معقول را متوجه نمی شوند. امام حسن این تعبیر را می کند

سؤال:

پاسخ: اعتراض می کند امثال اینها.

سؤال:

پاسخ: حالا آنها که خیلی هایش چیزهایی هست که خیلی قابل چیز نیست. دروغ در این جور زمینه ها بسته شده است. خب بماند.

خب حالا بیاییم ادامه بحث های خودمان را

سؤال:

پاسخ: حالا آنها تعبیر خاصی نیست آن جناب امثال اینها به هر حال یک نوع تعبیر های خاص ممکن است بشود روی مصالحی که وجود دارد که تعبیر مؤدب باشد خدا رحمت کند مرحوم اقای عسکری را که کتابی نوشته است به نام عایشه أم المؤمنین که شنیدم اسمش را هم مرحوم فیروز آبادی نوشته بوده است که حاشیه کفایه دارد که ... 25/33فوائد خمسه مال ایشان است. این تعبیر أم المؤمنین هم کرده است ولی از اول تا آخر فحش داده است. این یک نوع هوشمندی است در رفتار. رفتار سیاستمدارانه است. در دنیای سیاست یعنی بحث چیز هم یک نوع سیاست است. در دنیای سیاست می گفت که .... یعنی فلان فلان شده آقای فلان فلان شده. این جور فرض کردی آن فحش خواهر و مادر است! اینها در واقع خیلی وقت ها این مدلی است که رفتارها را باید

سؤال:

پاسخ: آنها من خیلی عرض کردم بحث های تاریخی یک بحث است من خیلی رو آن جنبه های تاریخی اینها اصلا چیز ندارم. بحث های تاریخی بحث های دیگر این بحث ها از باب نمادینش مهم است. ببینید شما الآن یک ستونی قرار می دهید به عنوان ستون شهید گمنام. این شهید گمنام این ستون چه ارتباطی با شهید گمنام دارد؟ یک نوع نماد هست. نمادها اساسا یکی از مهم ترین ویژگی های دین ها تمام دین ها چه دین های باطل و چه دین های حق و الهی و غیر الهی بحث نمادها و سمبل ها هست. سمبل ها و نماد ها یکی از ویژگی های ادیان هست که در جامعه شناسی اینها مطرح هست به عنوان نمادشناسی. یکی از شاخه های جامعه شناسی ادیان بحث نمادها هست. اینها از باب نماد ما به اینها باید نگاه کنیم.

سؤال:

پاسخ: بحث خرافه اگر ما اینها را بخواهیم به دید تاریخی نگاه کنیم به عنوان یک واقعیت بخواهیم نگاه کنیم واقعیت باید در چارچوب خاص خودش دنبال شود. ولی اگر ما با این چارچوب نگاه نکردیم، خدا رحمت کند مرحوم آقای فلسفی، یک تعبیری دارد در مورد اینکه می گوید که شبیه می سازند برای شمر و عمر سعد و برایش شاخ و دم می گذارند می گوید که بله دشمن اهل بیت شاخ و دم دارد یعنی این تصویری هست که می خواهد باطن آنها را تجلی دهد. نه تصویری که این جور نیست که افراد خیال کنند که واقعا عمر یک دم داشته است سم داشته است شاخ داشته است. ممکن است بعضی از عوام که از جهت سطح فکری خیلی پایین باشند این تصورات را بکنند و اینها را واقع بیانگارند. ولی جامعه فرهیخته اینها را نماد می بیند. اینها را جنبه به اصطلاح یک تعبیری دارند امروز یک صنعت بدیعی هست پویانمایی زنده نمایی چه می گویند در ادبیات امروز که گاهی اوقات تجسیم و تجسم دادن که در و دیوار را تصویر زنده می کنند و امثال اینها یک اصطلاحی دارد

یک تعبیری هست پویانمایی می گویند، یک ارایه ادبی است جاندار

دوره های ما نبود در دوره های اخیر شبیه جان بخشی و چیزی شبیه همین تعبیارت است. یکی از آرایه هایی هست که وجود دارد. خیلی وقت ها آن تصویر های معقول را به صورت محسوس می خواهند در بیاورند. اینها یک نوع نماد است. ما در واقع خیلی از اینها را اگر با این دید نگاه کنیم مطلب خیلی فرق می کند. فرض کنید وفات حضرت معصومه ولادت حضرت معصومه اینه سبقه تاریخی ندارند. عمده مشکل این است که گاهی اوقات ما می آییم که اصرار کنیم که اینها را تاریخی کنیم ولی نیازی نیست که ما برای اینکه آن مراسمات را داشته باشیم جنبه تاریخی کنیم. یعنی این نگاه تفکیک بین نگاه تاریخ انگارانه، تاریخی و نگاه نمادین، این دو مطلب را اگر ما توانستیم تفکیک کنیم و رواجش هم بدهیم که بسیاری از چیزها ما در واقع این بحث خیلی مفصلی دارد نگاه تاریخی و نگاه نمادی چند جور دارد که من نمی خواهم وارد آن بحث بشوم یک موقعی اگر شاخه های مختلف این بحث دنبال شود مفید است ولی غرضم این است که ما اگر بخواهیم بحث ها را از چارچوب های منطقی خودش خارج کنیم آنها خرافه است. خرافه به این معنا که چیزهایی که واقعیت ندارد و ما به عنوان واقعیت به آن می نگریم. ولی چیزی که اصلا واقعیت ندارد و ما هم نگاه واقعی به آن نداریم. نگاه نمادین داریم

سؤال:

پاسخ: بله نمادها نمایشگر یک سری واقعیت ها هستند. ولی واقعیت های نماد ها غیر از واقعیت های مستقیمی است که نمادها از آنها حکایت می کنند.

سؤال:

پاسخ: هم فوائد واقعی دارند و هم از چیزهای واقعی حکایت می کنند این است که اینها سر جای خودش همه اش باید بحث وجود داشته باشد و اینها را از هم دیگر نباید جدا کرد. متأسفانه الآن یک سری چیزهایی وجود دارد برای تضعیف، یعنی به بهانه پژوهش آن جنبه نمادین اینها را هم زیر سؤال می برند. می خواستیم امروز بحث را دنبال کنیم

سؤال: ابو لؤلؤ واقعیت دارد؟

پاسخ: بله واقعیت دارد آنکه بحثی نیست. بله ابو لؤ لؤ بوده است و چیز کرده است اما اینکه چه بوده است نمی دانم فرار کرده است آمده است ایران در کاشان چه شده است و امثال اینها از این جور چیزها آنها خب بحث هایی هست که از جهت تاریخی باید بررسی شود که خیلی هم بررسی نکردم

بحث راهنمای امشب بحث های احادیث چیز از همان جلد اول جامع احادیث. اخبار علاجیه را یکبار کل احادیث را می خوانیم نقاط سندی اش را یک بار از اول تا آخر احادیث را بخوانیم و موارد سندی را که باید بحث شود اشاره می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد